

سنجش نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی مناطق بیابانی و کویری (مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک)

ناصر علیقلی زاده فیروزجایی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران

مهدی رمضان زاد لسبوئی، استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه مازندران

مجید اسمعیلی*: دانشجوی کارشناسی ارشد اکوتوریسم، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نگرش و حمایت جامعه محلی از توسعه گردشگری در منطقه‌ای روستایی و بیابانی - کویری می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش بررسی نگرش ساکنین منطقه به توسعه گردشگری و سنجش میزان حمایت و مشارکت آنان و عوامل تاثیر گذار بر این نگرش بر مبنای نظریه مبادله اجتماعی، چرخه حیات گردشگری و روش تفکیکی است. روش تحقیق در این پژوهش تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش میدانی از پرسشنامه و مصاحبه به عنوان ابزار اصلی در گردآوری داده استفاده شده است. اطلاعات پرسش نامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS پردازش و بر اساس هدف، از آزمون‌های متعددی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که جامعه محلی از توسعه گردشگری حمایت زیادی می‌کند و میزان حمایت آنها تابعی از سطح توسعه گردشگری، وابستگی شغلی، وابستگی درآمدی، سطح تحصیلات و غیره می‌باشد. در عین حال که این روستاها به طور کلی از گردشگری حمایت زیادی می‌کنند با توجه به اینکه تصویر ذهنی ساکنین در روستاهای گردشگر پذیر در بعد اثرات مثبت گردشگری قوی‌تر و در بعد اثرات منفی گردشگری ضعیف‌تر نسبت به ساکنین در روستاهای کمتر گردشگر پذیر درک شده است به لحاظ میزان حمایت، روستاهای با سطح گردشگر پذیری بیشتر حمایت بیشتری از روستاهای کمتر گردشگر پذیر داشته اند و تفاوت به لحاظ میزان حمایت معنادار است.

واژگان کلیدی:

توسعه گردشگری، نگرش جامعه محلی، بیابان و کویر، نواحی روستایی، خور و بیابانک

مقدمه

استفاده از گردشگری به عنوان یک منبع جایگزین به منظور تقویت اقتصادی جامعه میزبان مستلزم پاسخگویی به نیازهای توسعه ای گردشگری و مشارکت ساکنان آن است (Lee, 2013, 37). مشارکت افراد جامعه اغلب یکی از ضروری ترین عوامل در توسعه ملی محسوب می شود. همچنین در امر گردشگری، حمایت و مشارکت جامعه محلی، در زمینه طرح مدیریت مقصد و دستیابی به یک برنامه ریزی مدون به طوری که هم جامعه میزبان و هم جامعه مهمان رضایت کامل داشته باشند، بسیار تعیین کننده می باشد (Sebelt, 2010, 136). بر این اساس حمایت و مشارکت جامعه میزبان در توسعه پایدار گردشگری از اهمیت و ضرورت برخوردار است.

در راستای توسعه گردشگری در مقاصد مختلف، شیوه زندگی جامعه میزبان ممکن است تحت تاثیر تغییرات ساختاری در صنعت گردشگری قرار گیرد. از نتایج توسعه گردشگری می توان به عواملی از قبیل: تغییرات در اقتصاد محلی (Simpson, 2008; Manyara & Jones, 2007)، تغییرات اجتماعی (Simson, 2008; Bull & Iovel, 2007)، تغییرات فرهنگی (Lee, Kang, Long & Reisinger, 2010; Nyaupane, Morais & Dowler, 2006; Simpson, 2008; Gursoy, Sharma & Carter, 2007; Lee et al., 2010; Simpson, 2008; Yoon, Gursoy & Chen, 2001) در یک مقصد گردشگری اشاره کرد. از این رو، برنامه ریزی در راستای گردشگری پایدار در نواحی روستایی، باید بر اساس اهداف و اولویت های ساکنین باشد و حتی برخی از محققین گام را از این هم فراتر گذاشته و پیشنهاد می کنند که سطح فعالیت های گردشگری محلی تنها به هنگام کسب اجازه قانونی از ساکنین ارتقاء یابد (Cooke, 1982, 26). در این راستا در روستاهای مقصد گردشگری، بار توسعه و مدیریت فعالیت های گردشگری باید به صورت مؤثر بر دوش ساکنین محلی، قرار داده شود. در قالب چنین رویکردی، نگرش و گرایش ساکنین محلی نقطه ثقل فعالیت برنامه ریزی در گردشگری به حساب می آید و مشارکت آنان به عنوان کاتالیزوری در روند برنامه ریزی توسعه پایدار گردشگری مورد تاکید است (Blank, 1989, 4). محدوده مورد مطالعه این پژوهش، نواحی روستایی مناطق کویری و بیابانی شهرستان خور و بیابانک می باشد. شهرستان مذکور با جاذبه های طبیعی، تاریخی و فرهنگی مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی زیادی قرار گرفته است. صنعت اکوتوریسم در کویر به شکل فزاینده ای در ابعاد جهانی در حال توسعه است. به نظر می رسد که با توجه به تغییراتی که در علایق و انگیزه های گردشگران کنونی ایجاد شده است، بیابان ها و کویرها مناطقی خواهند بود که در آینده بازار بیشتری از گردشگران طبیعت را به خود اختصاص خواهند داد (سلامی و غلامی، ۳۱). بر این اساس سنجش نگرش جامعه محلی به منظور آگاهی از دیدگاه آنان در مورد توسعه گردشگری به منظور برنامه ریزی برای آینده گردشگری بسیار مهم و ضروری می باشد. در این راستا هدف این تحقیق، سنجش نگرش جامعه محلی نسبت به توسعه گردشگری در نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک و درک تصورات ذهنی جامعه محلی نسبت به هر یک از اثرات مثبت و منفی توسعه گردشگری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی بر میزان حمایت آنها از توسعه گردشگری می باشد. این تحقیق در راستای پاسخگویی به دو سوال اصلی زیر تدوین شده است:

- ۱- میزان حمایت ساکنین از توسعه گردشگری در روستاهایی با گردشگر پذیری بیشتر و روستاهایی با گردشگری پذیری کمتر در مناطق بیابانی و کویری در چه سطحی است؟
- ۲- آیا تفاوت معناداری به لحاظ میزان حمایت ساکنین در بین روستاهای با گردشگری بیشتر و کمتر وجود

دارد؟

مبانی نظری

در طول سال های گذشته، نگرش جامعه میزبان به اثرات گردشگری توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است. در نتیجه تعداد زیادی از مطالعات در مورد این موضوع بحث کرده اند (Andereck & Nyaupane, 2011; Gursoy, Chi, & Dyer, 2010; Lee, Kang, Long, & Reisinger, 2010). گسترش این مطالعات اهمیت دخالت و واکنش جامعه میزبان برای رسیدن به توسعه پایدار را در مقاصد مختلف گردشگری مورد تاکید قرار می دهد (Nunkoo & Gursoy, 2011, 243). چندین روش به عنوان چارچوب تئوریک برای درک واکنش مردم نسبت به گردشگری وجود دارد. تئوری مبادله اجتماعی^۱، چرخه حیات گردشگری^۲ و روش تفکیکی^۳ از آن جمله است. تئوری مبادله اجتماعی یک چارچوب زیربنایی برای همه روشها و رویکردها محسوب می شود که مبتنی بر ارزیابی جامعه میزبان از هزینه و منافع مورد انتظار از گردشگری می باشد. تئوری مبادله اجتماعی بیان می کند که ساکنان یک جامعه باید تصمیم بگیرند که میزان حمایت آنها تا چه میزان به منافع و هزینه های گردشگری یا پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نگرانی های زیست محیطی وابستگی دارد (Ap, 1992; Gursoy, Chi, & Dyer, 2010; Nunkoo & Ramkissoon, 2011; Yoon et al., 2001; Gursoy & Rutherford, 2004). بر اساس این نظریه، اگر ساکنان درک کنند که به احتمال زیاد این مبادلات بدون تحمیل هزینه های غیر قابل تحمل و به نفع آنهاست، به حمایت و شرکت در مبادلات با بازدید کنندگان برای حمایت از گردشگری مبتنی بر جامعه به عنوان یک منبع اضافی برای توسعه پایدار شرکت می کنند. با این حال، اگر ساکنان درک کنند که در توسعه گردشگری مبتنی بر جامعه هزینه های بیشتری از مزایای آن متحمل خواهند شد، به احتمال زیاد به مخالفت با این توسعه می پردازند (Kim, 2002, 39). مطالعات پر دو^۴ درباره درک روستاییان از تاثیرات توسعه گردشگری و حمایت برای توسعه آن در زمره مطالعات مهم در این زمینه به شمار می آید. در این خصوص پر دو به این نتیجه رسید که اگر ساکنان به تاثیرات مثبت گردشگری و کسب منفعت خوشبین باشند تمایل به حمایت و همکاری خواهند داشت و اگر آنان به این باور برسند که منافع گردشگری بیشتر از هزینه های آن است به درگیر شدن در این تبادل علاقه مند می شوند برعکس وقتی احساس کنند که هزینه ها بیش از منافع آن است تمایل به مشارکت و حمایت از گردشگری نخواهند داشت (وئوقی و همکاران، ۱۳۹۳، ۶۸). از دیگر نظریه مرتبط با نگرش و گرایش ساکنین، مدل چرخه حیات توسعه گردشگری می باشد. در این مدل، ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در طول زمان مورد توجه است. بدین ترتیب نحوه نگرش میزبان تحت تاثیر روند تغییرات و توسعه گردشگری قرار می گیرد (Kim, 2002, 39). بنابراین یکی از متغیرهای موثر بر نگرش ساکنان محلی، سطح توسعه گردشگری در مقصد است که با افزایش آن، نگرشهای منفی ساکنان تشدید می شود (Smith and Krannich, 1998; Perdue et al, 1990, 59; Long et al, 1990; 6; McGehee and Andereck, 2004, 131) و نگرش مردم نسبت به گردشگری ممکن است تحت تاثیر روند تحول و توسعه گردشگری در مقصد قرار گیرد. زمانی که گردشگری در مقصد رو به رشد خیلی زیاد است، ظرفیت برد اجتماعی به حد نهای خود می رسد، در نتیجه، توسعه گردشگری برای ساکنان غیر قابل تحمل می شود (Hernandez et al,

¹-Social Exchange Theory

²-Tourism Life Cycle

³-Segmentation Approach

⁴-Perdu

1996, 759). در این خصوص از عوامل موثر بر نحوه نگرش ساکنان محلی در ارتباط با میزان توسعه گردشگری، شاخص نسبت گردشگران به ساکنان در ارتباط با ظرفیت تحمل اجتماعی حوزه است به طوری که هر چقدر این نسبت افزایش می یابد، نگرش ها و تصورات جامعه میزبان نسبت به گردشگری روبه منفی شدن می گذارد و نیاز به ارتقاء کیفیت محیط فیزیکی بیشتر حس می شود (Liu et al, 1987, 20). در واقع ظرفیت تحمل اجتماعی، سطحی است که در آن گردشگران اثراتی را بر جای می گذارند که برای ساکنان محلی غیر قابل قبول است (Long et al, 3, 1990). ظرفیت تحمل اجتماعی زمانی به آستانه خود می رسد که ساکنان یک حوزه به خاطر اینکه گردشگری در حال تخریب محیط، تهدید فرهنگ محلی، ازدحام و شلوغی و سایر اثرات نامطلوب است به افزایش تعداد گردشگران یا به توسعه گردشگری تمایلی نداشته باشند (Martin and uysal, 1990, 327) تاکنون مطالعات محدودی از توسعه گردشگری در خصوص اثرات توسعه گردشگری و واکنش ساکنین قبل از توسعه گردشگری یا قبل از آن که به عنوان یک فعالیت اقتصادی مهم تلقی شود مطالعه شده است. در این خصوص هرماندز، کوهن و گارسیا در سال ۱۹۹۶ تحقیقی را در خصوص واکنش ساکنین قبل از مرحله توسعه گردشگری در پورتوریکو انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که ساکنین نسبت به توسعه گردشگری تردید داشته اند (Hernandez et al, 1996, 758). در این رابطه لانگ و دافیلد^۱ معتقدند که در مناطق حاشیه ای با نسبت کم گردشگران به ساکنین، اکثریت جامعه میزبان گردشگری را امری مثبت تلقی می کنند (McGehee and Andereck, 2004, 131). در مطالعه ای که توسط آلن و همکارانش به سال ۱۹۸۸ در ۲۰ جامعه روستایی کلرادو با سطوح متفاوتی از مراحل توسعه گردشگری انجام شد، همبستگی میان درجات رضایت مندی جامعه محلی و سطح فعالیت گردشگری مورد تایید قرار گرفت (Allen et al, 1993, 31)، آنها همچنین نشان دادند که رابطه بین این دو مسأله به طور کلی غیر خطی است به طوری که توسعه گردشگری در مراحل اولیه مطلوب به نظر می رسد اما با شدت یافتن توسعه گردشگری، نگرش و گرایش ساکنین نسبت به توسعه گردشگری رو به منفی شدن می گذارد (Johnson et al, 1994, 30; Smith and Krannich, 1998, 785; Allen et al, 1993, 31).

مطالعه دیگر توسط آلن و همکاران (۱۹۹۳) گرایش ساکنین روستایی را به توسعه گردشگری بررسی کرده و نتیجه گرفته اند که تصویر درست تر از اثرات گردشگری با محاسبه کل فعالیت اقتصادی و سطح توسعه گردشگری بدست می آید. ساکنین جوامع روستایی دارای فعالیت اقتصادی اندک و توسعه گردشگری پایین، امید یا انتظارات بالایی به توسعه گردشگری در آینده دارند. ساکنین اجتماعات روستایی دارای فعالیت اقتصادی زیاد و توسعه گردشگری بالا، به بعضی از مزایای توسعه گردشگری پی برده اند. بنابراین ساکنین این نوع اجتماعات گرایش مثبت تری نسبت به توسعه گردشگری دارند. اگرچه اجتماعات دارای فعالیت اقتصادی بالا و توسعه گردشگری پایین، به لحاظ اقتصادی پایدار هستند و ساکنین آن نیازی به توسعه گردشگری نمی بینند. همچنین اجتماعات دارای فعالیت اقتصادی پایین و توسعه گردشگری بالا، دلسرد می شوند زیرا آنها به منافع اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری دست نیافته اند (Allen et al, 1993, 31).

لپ در سال ۲۰۰۷ در مقاله ای تحت عنوان نگرش ساکنین نسبت به گردشگری در روستای بیگودی اوگاندا به این نتیجه رسید که افراد ساکن در این منطقه برداشت مثبت و موافقی نسبت به گردشگری دارند. این برداشت مثبت ناشی از اعتقاد افراد ساکن به این مطلب است که گردشگری باعث رشد و گسترش جامعه، ارتقاء بازارهای کشاورزی، تولید در بازار و بالاخره باعث خوشبختی و رفاه تصادفی می گردد. در این راستا

^۱ - long

فرض بر این شد که نگرش‌های مثبت به رفتار موافق گردشگری منجر شود. مشاهدات رفتار در طی شش ماه در بیگودی، این فرضیه را تأیید نمود (Lepp, 2007, 876).

لات کوا و همکاران در سال ۲۰۱۲ در مقاله‌ای با عنوان نگرش‌های ساکنین نسبت به رشد و توسعه گردشگری کنونی و آینده در جوامع روستایی پرداختند. نتایج این مطالعه که بر اساس مدل بردو، لانگ و آلن ساخته شده است نشان می‌دهد که ساکنین سه منطقه روستایی مجزا، حامی رشد و توسعه گردشگری شدند و شواهد اندکی یافت شد که نشان می‌داد نگرشها نسبت به گردشگری با وجود سطح بالای گردشگری، منفی بوده است (Latkova et al, 2012, 50).

لنکفورد و هاوارد^۱ رویکرد تفکیکی را مطرح می‌کنند. در این رویکرد، هزینه و منافع بخش‌ها یا گروه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که کسانی که در راستای نیازهای گردشگران فعالیت می‌کنند نگرش مثبت‌تری به گردشگری دارند تا آنهایی که ارتباطی با گردشگران ندارند (Madrigal, 1993, 352). به طوری که، کسانی که در زمینه خدماتی و تجاری گردشگری فعالیت می‌کنند نگرش مثبت‌تری به گردشگران دارند. بنابراین بررسی و ارزیابی نگرش و گرایش جامعه میزبان نسبت به گردشگری امری پیچیده محسوب می‌شود (Hernandez et al, 1996, 759-760; Madrigal, 1993, 352).

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، شهرستان خور و بیابانک واقع در کرانه‌ی جنوب شرقی دشت کویر، از توابع استان اصفهان می‌باشد. این شهرستان دارای سه بخش به نام‌های بیابانک، جندق و نخلستان است که سه بخش مذکور متشکل از ۲۵ روستا و ۲۰۱ مزرعه است. این شهرستان از شمال با استان سمنان از جنوب با استان یزد و از شرق با استان خراسان ارتباط داشته و در موقعیت نسبی ۴۰۰ کیلومتری مرکز استان واقع شده است. وسعت تقریبی آن حدود ۱۱۶۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۱). این شهرستان دارای سه دهستان بنام‌های جندق، نخلستان و بیابانک می‌باشد (جدول ۱).

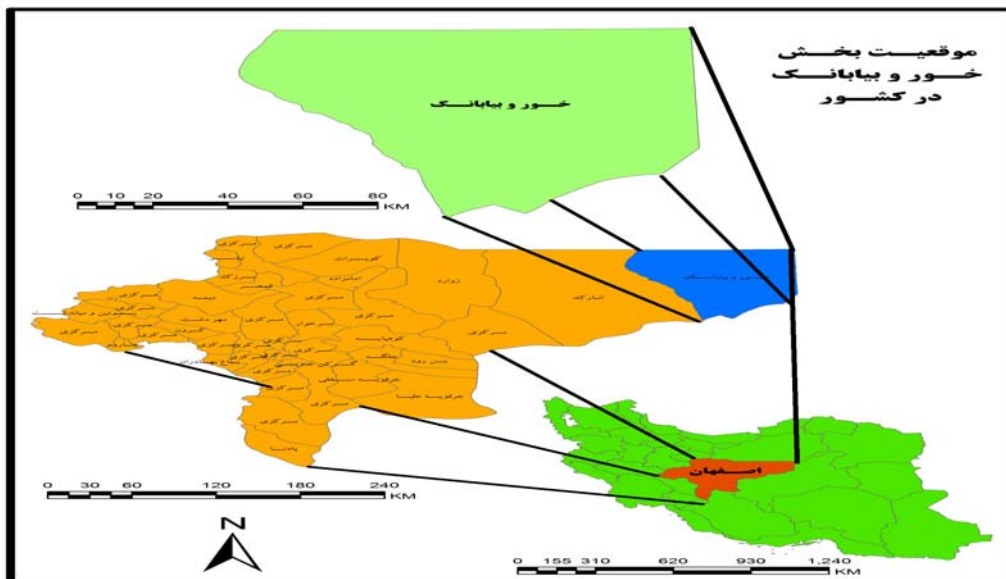
جدول (۱) ویژگی جمعیتی دهستان‌های جندق، نخلستان و بیابانک ۱۳۹۰

دهستان	تعداد خانوار	زن	مرد	کل جمعیت	بعد خانوار
جندق	۳۳	۷۲	۱۰۲	۱۷۴	۵/۲۷
بیابانک	۶۲۶	۹۷۴	۱۰۶۱	۲۰۳۵	۳/۲۵
نخلستان	۶۶۷	۹۲۸	۹۶۱	۱۸۸۹	۲/۸۳

منبع: مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادی های کشور ۱۳۹۰

نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک با جاذبه‌های گردشگری فراوان یکی از مناطق گردشگری محسوب می‌شود که طی سال‌های اخیر گردشگران داخلی و خارجی زیادی از آن دیدن کرده‌اند. در این مطالعه دیدگاه و نگرش ساکنین سکونتگاه‌های روستایی این شهرستان به لحاظ میزان حمایت و مشارکت آنان از توسعه گردشگری مورد سنجش قرار می‌گیرد.

^۱ - Lankford and Howard



شکل (۱) نقشه ناحیه مورد مطالعه

روش شناسی

روش این تحقیق از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه است. در این پژوهش توسعه گردشگری و تصورات ذهنی ساکنین از اثرات مثبت و منفی توسعه گردشگری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی به عنوان متغیر مستقل و میزان حمایت جامعه میزبان از توسعه گردشگری، به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است (جدول ۲). در این پژوهش، روستاهای منطقه بر اساس شاخص‌های عینی نظیر وجود هتل، اقامت شبانه گردشگران و تعداد منازل اجاره‌ای به گردشگران و شاخص‌های ذهنی نظیر میزان وابستگی شغلی و درآمدی به بخش گردشگری و میزان رشد گردشگری به دو گروه، روستاهای با گردشگر پذیری بیشتر و روستاهای با گردشگر پذیری کمتر تقسیم بندی شدند. سوالات مرتبط با شاخص‌های ذهنی پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه از خیلی زیاد تا خیلی کم تنظیم شده است. در این رابطه ۳۰ درصد از روستاهای منطقه به عنوان جامعه نمونه انتخاب و سپس از بین دو گروه روستاها، سه روستایی مصر، بیاضه و گرمه روستاهایی با گردشگر پذیری بیشتر و روستاهای مهرجان، عرو سان، خنج، اردیب، جعفرآباد به عنوان روستاهای با گردشگر پذیری کمتر مورد مطالعه قرار گرفته اند. شاخص‌های مورد نیاز این پژوهش با استفاده از مطالعه منابع علمی معتبر شناسایی و توسط ساکنین محلی مورد آزمایش اولیه قرار گرفت. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی ساده است. در این روش هر عضوی در جامعه از شانس مساوی برای انتخاب برخوردار بوده است.

اطلاعات جمع آوری شده در فرایند پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS پردازش شده است که بر اساس خروجی آزمون الفای کرونباخ، سطح پایایی گویه‌های پرسش نامه ۰/۸۷ محاسبه گردید. و آزمون‌های آماری بر اساس ماهیت داده‌ها و هدف پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و تحلیلی تنظیم شده‌اند. در یافته‌های توصیفی اطلاعات فردی پاسخگویان بررسی شده است. در یافته‌های تحلیلی بر اساس ماهیت داده‌ها از روش‌های آماری مانند آزمون تی مستقل، آزمون من ویتنی، و آزمون‌های همبستگی مانند اسپیرمن و کرامر و رگرسیون استفاده شد.

جدول (۲) متغیر های پژوهش

شاخص ها		نوع متغیر
عینی	ذهنی	
وجود هتل	میزان وابستگی درآمدی ساکنین به گردشگری	توسعه گردشگری
وجود اقامت شبانه		
گردشگران در روستاها		
تعداد منازل اجاره ای به گردشگران	میزان وابستگی شغلی ساکنین به گردشگری	متغیر مستقل
	میزان رشد گردشگری در روستا	
	اثرات مثبت اقتصادی	اثرات درک شده
	اثرات منفی اقتصادی	
	اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی	
	اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی	
	اثرات منفی زیست محیطی	
	حمایت کل	میزان حمایت
	حمایت از گردشگران داخلی	
	حمایت از گردشگران خارجی	
		متغیر وابسته

یافته های توصیفی

بررسی نتایج مستخرج از پرسشنامه بیانگر آن است که ۸۰/۳ درصد از جامعه آماری را مردان و ۱۹/۷ درصد را زنان تشکیل می دهند. همچنین از کل جامعه آماری ۷۴/۶ درصد متأهل و ۲۵/۴ درصد مجرد هستند. از نظر سنی جامعه آماری مورد مطالعه به پنج رده سنی تقسیم گردید که ۲۱/۹ درصد در رده سنی ۱۶ تا ۲۵ سال، ۲۲/۱ درصد در رده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، ۲۵/۵ درصد در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۲۲ درصد در رده سنی ۴۶ تا ۶۵ سال و ۸/۲ درصد در رده سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار داشتند. بررسی سطح سواد هم بیانگر آن است که در مجموع ۵/۶ درصد از ساکنین سواد پنجم ابتدایی، ۳۷/۶ درصد سیکل و پایین تر، ۲۹/۲ درصد دیپلم، ۷/۹ درصد فوق دیپلم و حدود ۱۹/۷ درصد دارای سطح سواد لیسانس می باشند. بررسی نتایج پرسش نامه نشان می دهد که ۸۱ درصد پاسخ گویان سکونت دائم و ۱۹ درصد به صورت فصلی به این منطقه مسافرت می کنند.

جدول (۳) مشخصات کلی پاسخ گویان

مولفه	ویژگی ها	درصد
جنس	مردان	۸۰/۳
	زنان	۱۹/۷
تأهل	متأهل	۷۴/۶
	مجرد	۲۵/۴
سن	۱۶-۲۵ سال	۲۱/۹
	۲۶-۳۵ سال	۲۲/۱
	۳۶-۴۵ سال	۲۵/۵

مولفه	ویژگی ها	درصد
تحصیلات	۴۶-۶۵ سال	۲۲
	۶۵ سال و بالاتر	۸/۲
	ابتدایی	۵/۶
	سیکل و پایین تر	۳۷/۶
	دیپلم	۲۹/۲
	فوق دیپلم	۷/۹
	لیسانس	۱۹/۷
وضعیت سکونت	دائم	۸۱
	فصلی	۱۹

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

یافته های تحلیلی

الف - سطح توسعه گردشگری و تصویر ذهنی ساکنین از منافع و هزینه های گردشگری

در گام نخست به منظور سنجش سطح توسعه گردشگری در ناحیه ی مورد مطالعه، نواحی روستایی به دو گروه روستاهای با گردشگر پذیری بیشتر و روستاهای با گردشگری پذیری کمتر تقسیم بندی شده اند. یافته ها بیانگر آن است که نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک بر اساس داده های حاصل از شاخص های عینی و ذهنی دارای سطح متفاوتی از توسعه گردشگری می باشند. ارزیابی ساکنین از میزان توسعه گردشگری در نواحی روستایی بیانگر آن است که بیشترین سطح توسعه گردشگری در بین روستاهای منطقه مربوط به روستای گرمه با میانگین رشد ۳/۷، روستای مصر با میانگین رشد ۳/۴ و روستای بیاضه با میزان رشد ۳/۱ می باشد. که در مجموع میزان توسعه گردشگری در این دسته از روستاها (روستاهای با گردشگر پذیری بیشتر) در حد متوسط به بالا ارزیابی می شود. از عوامل موثر بر جذب و رشد گردشگری در این روستاها، علاوه بر پتانسیل فراوان طبیعت گردی از نوع گردشگری بیابان به ویژه جاذبه های کویری عوامل تعیین کننده دیگری نظیر جاذبه های تاریخی و باستانی و مانند آن دخیل هستند. در مقابل در بین روستاهای کمتر گردشگر پذیر، روستای خنج با میانگین رشد (۲) در جایگاه دوم، روستای عروسان با میانگین رشد (۱/۲) در جایگاه سوم، روستای اوردیب با میانگین (۱/۱) در جایگاه چهارم و روستای جعفرآباد با میانگین رشد (۱) در جایگاه آخر قرار گرفته است. بدین ترتیب رشد گردشگری در ناحیه مورد مطالعه در حد کم و خیلی کم ارزیابی می شود، هر چند که روستای مهرجان با میانگین رشد (۳/۴) به دلیل قرارگیری در بین دو روستای بیاضه و گرمه میزان رشد بیشتری را در بین روستاهای کمتر گردشگر پذیر به خود اختصاص داده است. اما در این روستا گردشگران اقامت شبانه ندارند همچنین میانگین کل به لحاظ رشد گردشگری در روستاهای با گردشگر پذیری بیشتر برابر با ۳/۴ بوده و در روستاهای با گردشگر پذیری کمتر، ۲/۱ بوده است. بر اساس نتایج مستخرج از پرسشنامه میانگین کل رشد گردشگری در بین هر دو گروه روستاها برابر با ۲/۷ می باشد (جدول ۴).

جدول (۴) وضعیت سطح توسعه یافتگی گردشگری در روستاهای منطقه مورد مطالعه

میزان رشد گردشگری	نام روستاها	نوع روستاها
۳/۱	میانگین	روستاهای بیشتر گردشگر پذیر
۳/۷		
۳/۴		
۲	میانگین	روستاهای کمتر گردشگر پذیر
۳/۴		
۱/۲		
۱/۱		
۱		
۲/۷	میانگین	کل روستاها
۱۸۴	تعداد نمونه	
۳/۴	میانگین	روستاهای بیشتر گردشگر پذیر
۸۷	تعداد نمونه	
۲/۱	میانگین	روستاهای کمتر گردشگر پذیر
۹۷	تعداد نمونه	

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

به منظور شناخت و تحلیل میزان حمایت ساکنین از توسعه گردشگری در ناحیه مورد مطالعه، برداشت و تصویر ذهنی ساکنین از اثرات توسعه گردشگری در این دو گروه از روستاها مورد تحلیل قرار گرفت. تصویر ذهنی ساکنین از شاخص‌های اثرات مثبت اقتصادی در قالب متغیرهای اشتغال‌زایی، اشتغال برای جوانان، اشتغال برای زنان، افزایش قیمت خانه و اجاره بهای آن، افزایش درآمد ساکنان، افزایش درآمد دهیاری و ایجاد تنوع در مشاغل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که برداشت و تصویر ذهنی مردم از اثرات مثبت اقتصادی در روستاهای بیشتر گردشگر پذیر ۳/۳ بوده که این مقدار در روستاهای کمتر گردشگر پذیر معادل ۲/۷ می‌باشد. این یافته‌ها بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین این دو گروه از روستاها در تصورات ذهنی از اثرات و پیامدهای گردشگری وجود دارد ($\text{sig} = .001$)، به گونه‌ای که تصویر ذهنی ساکنین در روستاهای گردشگر پذیرتر نسبت به اثرات مثبت اقتصادی در مقایسه با روستاهای کمتر گردشگر پذیر، قویتر می‌باشد. توسعه گردشگری در روستاهای با گردشگرپذیری بیشتر با توجه به سابقه کم آن و تعداد کم گردشگران در مرحله اولیه توسعه گردشگری هستند. در این مرحله با توجه به تبلور پیامدهای مثبت اقتصادی توسعه گردشگری، ساکنین معمولاً از منافع گردشگری به ویژه فواید اقتصادی آن آگاهی پیدا می‌کنند، در نتیجه نسبت به آینده اثرات مثبت اقتصادی گردشگری بر روستاها خوشبین هستند. در همین رابطه این یافته‌ها با مطالعات آلن و همکاران^۱ (۱۹۹۳) مطابقت دارد. آنها بیان می‌کنند که ساکنین جوامع روستایی دارای فعالیت اقتصادی اندک و توسعه گردشگری پایین، امید یا انتظارات بالایی به منافع توسعه گردشگری به ویژه اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه گردشگری در آینده دارند. تصویر

^۱-Allen et al

ذهنی ساکنین از اثرات منفی اقتصادی در روستاهای بیشتر گردشگر پذیر و و کمتر گردشگر پذیر با متغیرهای افزایش قیمت مواد غذایی، افزایش هزینه‌ها در مقصد گردشگری و همچنین افزایش اختلاف درآمد بین ساکنین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که تصویر ذهنی ساکنین در مورد اثرات منفی اقتصادی در روستاهای کمتر گردشگر پذیر (۳/۱) بوده در حالی که این مقدار در روستاهای با سطح گردشگر پذیری بیشتر (۲/۹) می‌باشد. یافته‌ها بیانگر آن است که تفاوت معنادار ($Sig=.004$) بین تصویر ذهنی ساکنین در این دو گروه از روستاها از اثرات منفی اقتصادی وجود دارد. به گونه ای که ساکنین روستاهای کمتر گردشگر پذیر تصویر ذهنی بالاتری از اثرات منفی اقتصادی در مقایسه با روستاهای بیشتر گردشگر پذیر دارند.

اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های تاثیرگذار بر میزان حمایت ساکنین مورد بررسی قرار گرفت. این مولفه با متغیرهایی مانند تمایل به ماندگاری در روستا، حفظ آثار تاریخی، افزایش آگاهی و دانش مردم، تبادل فرهنگی با دیگر مناطق و غیره مورد بررسی قرار گرفتند نتایج نشان می‌دهد که انتظارات ساکنین از اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی در روستاهای کمتر گردشگر پذیر (۳/۲) و در روستاهای بیشتر گردشگر پذیر معادل ۳/۵ می‌باشد. یافته‌های میدانی این کار تحقیقی و بررسی‌هایی که انجام گرفته نشان می‌دهد که گردشگری در نواحی روستایی مورد مطالعه دارای اثرات اجتماعی- فرهنگی مثبت قابل توجهی بوده است. آمارهای استخراج شده از سئوالاتی که توسط جامعه نمونه پاسخ داده شد و در بخش تحلیل یافته‌های این تحقیق مورد پردازش قرار گرفتند همگی تأییدکننده این واقعیت‌اند که گردشگری توانسته در بعد اجتماعی - فرهنگی پیامدهای تأثیر گذاری در منطقه مورد مطالعه این پژوهش داشته باشد.

اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی نیز در قالب متغیرهایی مانند ناهنجاری‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌های بومی، جرم و فعالیت‌های غیرقانونی نظیر استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، بی‌توجهی به ارزش‌ها و سنت‌ها از طرف جوانان، افزایش توقعات و انتظارات جوانان و غیره مورد سنجش قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که تصویر ذهنی ساکنین از اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی در روستاهای کمتر گردشگر پذیر ۲/۶ بوده در حالی که از دیدگاه ساکنین روستاهای بیشتر گردشگر پذیر این مقدار ۲/۲ می‌باشد. محاسبه سطح معناداری ($Sig=.007$) بیانگر آن است که میان این دو گروه از روستاها در درک تصورات ذهنی از اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع می‌توان بیان کرد که تصویر ذهنی قوی‌تر ساکنین روستاهای توریستی در مورد اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی نسبت به روستاهای کمتر توریستی می‌باشد و آنان بر این باورند که در نتیجه توسعه گردشگری اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی کمتری ایجاد می‌شود. بررسی‌های میدانی بیانگر آن است که تعداد کم گردشگران ورودی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالای گردشگران ۱ (شغل و تحصیلات)، و نوع گردشگری تا حدی سازماندهی شده (از طریق تور)، آموزش و آگاهی گردشگران قبل از حضور در منطقه نسبت به حساسیت‌های فرهنگی ساکنان بومی از طرف مسئولان

۱- در راستای کار پایان‌نامه پرسشنامه‌ای تحت عنوان پرسشنامه گردشگران در نواحی روستایی خور و بیابانک توزیع گردید. نتایج مستخرج از این پرسشنامه بیانگر آن است که حدود ۳۸ درصد از گردشگران دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۴/۱ درصد کارشناسی ارشد و ۱۱ درصد دارای تحصیلات دکتری می‌باشند. همچنین به لحاظ شغلی گردشگران در شغل‌های گوناگونی طبقه‌بندی شده‌اند به طوری که ۲۶/۹ درصد کارمند، ۱۷ درصد دانشجو، ۳ درصد مهندس، ۱۲/۹ درصد آزاد، ۱/۲ درصد وکیل، ۱/۲ درصد استاد دانشگاه، ۵/۸ درصد پزشک، ۱۰/۵ درصد بیکار، و ۲/۳ درصد را معلمان و فرهنگیان تشکیل می‌دهند.

تور و نیز نظارت مسئولان محلی بر روند توسعه گردشگری موجب شده است در وضعیت موجود در روستاهای با گردشگر پذیری بالا، اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی کم و در نتیجه ساکنان تصور و انتظار مثبتی نسبت به اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری در آینده داشته باشند.

در نهایت به منظور درک انتظارات ساکنین از اثرات منفی زیست محیطی در روستاهای بیشتر گردشگر پذیر و کمتر گردشگر پذیر متغیرهایی مانند ازدحام و شلوغی، مشکلات زباله در باغ‌ها و مناظر طبیعی، تخریب اراضی زراعی و باغ‌ها، آلودگی آب و غیره مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین تصورات ذهنی ساکنین در روستاهای توریستی از اثرات منفی زیست محیطی در نتیجه توسعه گردشگری معادل (۲/۲) و در روستاهای کمتر توریستی (۲/۵) محاسبه شده است. محاسبه سطح معناداری (۰/۰۴۴) بیانگر آن است که تصورات ذهنی ساکنین در این روستاها معنادار بوده به گونه‌ای که نواحی روستایی کمتر گردشگرپذیر تصویر ذهنی بالاتری از اثرات منفی زیست محیطی گردشگری دارند (جدول ۵).

جدول (۵) اثرات درک شده و میزان انتظارات از اثرات توسعه گردشگری در روستاهای توریستی و غیرتوریستی بر

اساس دیدگاه جامعه محلی (آزمون تی مستقل)

ابعاد	میانگن کل از اثرات گردشگری	انتظارات مردم از اثرات گردشگری در روستاهای توریستی	انتظارات مردم از اثرات گردشگری در روستاهای توریستی	میانگین تفاوت‌ها	سطح معناداری
اثرات مثبت اقتصادی	۳	۲/۷	۳/۳	۰/۶	۰/۰۰۱
اثرات منفی اقتصادی	۳	۳/۱	۲/۹	۰/۲	۰/۰۰۴
اثرات مثبت اجتماعی-فرهنگی	۳/۳	۳/۲	۳/۵	۰/۳	۰/۰۰۲
اثرات منفی اجتماعی-فرهنگی	۲/۴	۲/۶	۲/۲	۰/۴	۰/۰۰۷
اثرات منفی محیطی	۲/۳۵	۲/۵	۲/۲	۰/۳	۰/۰۴۴

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

ب) سنجش میزان حمایت ساکنین

در رابطه با بررسی میزان حمایت جامعه محلی از توسعه گردشگری، سنجش سطح انتظارات و تصویر ذهنی ساکنین از اثرات و پیامدهای گردشگری لازم و ضروری است. در این خصوص محققان معتقدند که بین سطح توسعه گردشگری و تصویر ذهنی ساکنین از اثرات و پیامدهای گردشگری رابطه وجود دارد و اثرات و پیامدهای درک شده از سوی جامعه میزبان نیز بر میزان حمایت آن‌ها از توسعه گردشگری موثر است (ر.ک. به مبانی نظری)، از سوی دیگر براساس تئوری مبادله اجتماعی، ساکنین بر اساس هزینه و فایده درک شده اقتصادی، اجتماعی و محیطی نسبت به توسعه گردشگری واکنش نشان می‌دهند و میزان حمایت نیز تابعی از منافع و هزینه درک شده حاصل از توسعه گردشگری می‌باشد. اگرچه به طور کلی میزان حمایت ساکنین روستاهای نمونه این منطقه از توسعه گردشگری در حد زیاد می‌باشد اما همان طور که در فوق اشاره شد به لحاظ میزان توسعه گردشگری و انتظارات آن‌ها از اثرات و پیامدهای مثبت و منفی آن، بین دو گروه از روستاها تفاوت معناداری وجود داشته است. به لحاظ میزان حمایت به طور کلی، میزان حمایت از

گردشگران داخلی و میزان حمایت از گردشگران خارجی بین دو دسته از روستاهای بیشتر گردشگر پذیر و کمتر گردشگر پذیر تفاوت وجود دارد به طوری که روستاهای بیشتر گردشگر پذیر حمایت بیشتری از توسعه گردشگری نسبت به روستاهای کمتر گردشگر پذیر داشته‌اند، به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان حمایت کل روستاهای منطقه از توسعه گردشگری با میانگین ۴/۱ نسبت به میانگین مطلوب در حد زیاد ارزیابی می‌شود. زیرا که یکی از راه‌های برون‌رفت روستاها از محرومیت فعلی توجه به توسعه گردشگری می‌باشد که ساکنین نیز در سطح بالایی این موضوع را درک کرده‌اند. در بین روستاهای منطقه بیشترین میزان حمایت مربوط به روستای بیاضه با میانگین ۴/۶ و کمترین میزان حمایت مربوط به روستای خنج با میانگین ۲/۲ می‌باشد (جدول ۶) که این یافته با نتایج مطالعات کاپنرهاست^۱ مطابقت دارد که معتقد است که معمولاً اجتماعات خیلی کوچک در مقایسه با اجتماعات بزرگتر از توسعه گردشگری حمایت کمتری می‌کنند (Mason and Cheyne, 2000, 395). در این مطالعه نیز روستای خنج بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ با ۲۲ نفر جمعیت به عنوان یک اجتماع خیلی کوچک مطرح است.

جدول (۶) بررسی وضعیت میزان حمایت از توسعه گردشگری در روستاهای با گردشگر پذیری بالا و کم

نوع روستا	نام روستاها	حمایت از گردشگران کل	حمایت از گردشگران خارجی	حمایت از گردشگران داخلی
روستاهای بیشتر گردشگر پذیر	بیاضه	۴/۵	۴/۲	۴/۶
	گرمه	۴/۴	۴	۳/۹
	مصر	۴/۴	۴/۳	۴/۵
روستاهای کمتر گردشگر پذیر	خنج	۲/۲	۴	۲/۲
	مهرجان	۳/۷	۳/۵	۳/۶
	عروسان	۴	۴/۵	۴/۳
	اردیب	۴/۱	۴/۲	۴
	جعفر آباد	۳/۴	۳/۸	۴/۱
کل روستاها	کل روستاها	۴	۴	۴
	تعداد نمونه	۱۸۴		
روستاهای بیشتر گردشگر پذیر	میانگین	۴/۲	۴	۴/۴
	تعداد نمونه	۸۷		
روستاهای کمتر گردشگر پذیر	میانگین	۳/۸	۳/۸	۳/۸
	تعداد نمونه	۹۷		

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

نتایج نشان می‌دهد گرچه روستاهای با گردشگرپذیری بیشتر (۴/۲) و روستاهای با گردشگرپذیری کمتر (۳/۸) هر دو از توسعه گردشگری حمایت زیادی می‌کنند اما براساس یافته‌های حاصل از آزمون آماری یومان ویتنی می‌توان ادعان داشت که بین میزان حمایت از توسعه گردشگری در حوزه مذکور، بین روستاهای

۱- Capenerhurst

بیشتر گردشگرپذیر و کمتر گردشگرپذیر، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده (۰.۰۰۰) تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۷).

جدول (۷) نتایج آزمون من ویتنی در ارتباط با درک تفاوت معناداری بین دو گروه از روستاها

متغیر	روستاها	تعداد	میانگین طبقات	Mann-u Whitney	سطح معناداری
حمایت از گردشگران	بیشتر گردشگر پذیر	۸۷	۱۰۹/۱۴	۲/۷۷۲	۰/۰۰۰
	کمتر گردشگر پذیر	۹۷	۷۷/۵۷		
حمایت از گردشگران خارجی	بیشتر گردشگر پذیر	۸۷	۱۰۰/۶۶	۳/۱۶۲	/۰۰۸
	کمتر گردشگر پذیر	۹۳	۸۱/۰۰		
حمایت از گردشگران داخلی	بیشتر گردشگر پذیر	۸۷	۱۰۴/۱۷	۳/۲۰۴	/۰۰۲
	کمتر گردشگر پذیر	۹۷	۸۲/۰۳		

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

به طوری کلی یافته‌ها در خصوص تصویر ذهنی ساکنین در روستاهای بیشتر گردشگر پذیر بیانگر آن است که تصویر ذهنی ساکنین از منافع گردشگری قویتر از روستاهای کمتر گردشگر پذیر درک شده. در عین حال تصویر ذهنی آنها از اثرات منفی نیز بسیار ضعیف بوده است. در این رابطه باتلر معتقد است که جوامع محلی در ابتدای مراحل توسعه، با توسعه گردشگری موافق بوده و از آن حمایت می‌کنند. جهت تبیین بیشتر رابطه بین برخی از متغیرها نظیر وابستگی درآمدی، شغلی، تحصیلات بر میزان حمایت جامعه میزبان، و متغیر وابسته (میزان حمایت) از ضرایب همبستگی استفاده شده است. در این خصوص یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی ساکنین نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک گرایش و نگرش مثبتی در رابطه با توسعه گردشگری دارند. برای درک رابطه بین وضعیت شغلی و میزان حمایت از توسعه گردشگری از آزمون‌های همبستگی استفاده شده است که نتایج نشان می‌دهد در ناحیه‌ی مورد مطالعه بین نوع شغل افراد و میزان وابستگی اقتصادی آنان به بخش گردشگری همبستگی وجود دارد. ضریب همبستگی محاسبه شده ۰/۲۶۴ بوده و این رابطه در سطح ۹۹ درصد احتمال معنادار است. زیرا که سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰/۰۵ برابر با ۰/۰۲۴ است که وجود رابطه معنادار را تایید می‌کند. از سوی دیگر بر اساس آزمون اسپیرمن بین سطح وابستگی شغلی افراد به بخش گردشگری و میزان حمایت آنان از توسعه گردشگری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد به گونه‌ای که ضریب همبستگی ۰/۵۹۳ محاسبه شده که این همبستگی در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد که وابستگی شغلی بیشتر، حمایت بیشتر از گردشگری را در پی داشته است. و یک نتیجه کلی در مورد این منطقه آن که سطح توسعه گردشگری بالاتر با وابستگی شغلی و درآمدی بیشتر جامعه محلی موجب حمایت بیشتر جامعه میزبان از توسعه گردشگری می‌شود. نتایج این مطالعه، یافته‌های پیزام^۱، روثمان^۲ و مک‌گیهی^۳ و آندرک (رک. مبانی

¹ - Pizam

² - Rothman

³ - McGehee

نظری) را براساس رویکرد تفکیکی تأیید می‌کند. همچنین در این پژوهش رابطه‌ی میان تحصیلات و میزان حمایت از توسعه‌ی گردشگری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که بین تحصیلات و میزان حمایت از توسعه‌ی گردشگری نیز همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (R=460 P-Value<0/05) (جدول ۸).

جدول (۸) رابطه بین میزان حمایت و وابستگی شغلی، نوع شغل و تحصیلات

متغیر مستقل	نوع آزمون	میزان حمایت
وابستگی شغلی	اسپیرمن	مقدار همبستگی /۲۴۶
		سطح معناداری /۰۲۴
نوع شغل	کرامر	مقدار همبستگی /۵۹۳
		سطح معناداری /۰۰۰۰
تحصیلات	کرامر	مقدار همبستگی /۴۶۰
		سطح معناداری /۰۰۲

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

بر اساس نتایج مستخرج از پرسشنامه و تحلیل رگرسیونی می‌توان اذعان داشت که از بین متغیرهای موثر بر میزان حمایت ساکنین مانند سطح توسعه یافتگی گردشگری، وابستگی شغلی و درآمدی، سن، جنس، نوع شغل و سطح سواد، دو متغیر سطح توسعه یافتگی، وابستگی شغلی و درآمدی بیشترین تاثیر را در میزان حمایت از توسعه گردشگری دارند بطوریکه R Square های محاسبه شده برای متغیر سطح توسعه یافتگی برابر با (۲۶۲) و وابستگی شغلی و درآمدی (۲۵۵) است. بر اساس بتای محاسبه شده می‌توان اذعان داشت که سطح توسعه یافتگی گردشگری با بتای /۵۱۲. تاثیر بیشتری از وابستگی شغلی و درآمدی با بتای /۰۵۰۲ داشته است و نیز سطح معناداری محاسبه شده (۰.۰۰۰) بیانگر معنادار بودن این نتایج است.

با توجه به رکود بخش کشاورزی و عمدتاً به دلیل کمبود آب در منطقه، عدم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دیگر اشتغال‌زایی و درک وضعیت شغلی در روستاهایی که گردشگری را تجربه کرده‌اند، باعث شده است که ساکنین، این سطح از توسعه گردشگری، اشتغال و درآمد مرتبط با آن را به عنوان مهم‌ترین عوامل خود در جهت میزان حمایت ذکر نمایند (جدول ۹).

جدول (۹) نتایج رگرسیونی پیش‌بینی کننده متغیر وابستگی در میزان حمایت از گردشگری

پیش‌بینی کننده	R	R Square	F	Beta	T	Sig.
سطح توسعه یافتگی	/۵۱۲ ^a	./۲۶۲	۲۸/۴۱۸	/۵۱۲	۵/۳۳۱	۰/۰۰۰
وابستگی شغلی و درآمد	/۵۰۵ ^a	./۲۵۵	۲۷/۳۵۴	/۵۰۵	۵/۲۳۰	۰/۰۰۰

منبع: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۳

بحث و نتیجه گیری:

حمایت و مشارکت جامعه محلی به عنوان یک فاکتور کلیدی در راستای توسعه گردشگری پایدار در مقاصد مختلف از ضرورت و اهمیت برخوردار است. سوالات پژوهش در چارچوب نظریه مبادله اجتماعی و چرخه حیات گردشگری، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساکنین نواحی روستایی شهرستان خور و بیابانک به طور کلی گرایش و نگرش مثبتی در رابطه با توسعه گردشگری دارند. به گونه‌ای که جامعه محلی از توسعه گردشگری حمایت زیادی می‌کند. میزان حمایت آنها تابعی از سطح توسعه گردشگری، وابستگی شغلی و درآمدی، سطح تحصیلات و غیره می‌باشد. در عین حال که این روستاها به طور کلی از گردشگری حمایت زیادی می‌کنند اما بین روستاهای با سطح گردشگری بیشتر و سطح گردشگری کمتر به لحاظ میزان حمایت تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که روستاهای بیشتر گردشگری حمایت بیشتری از توسعه گردشگری نسبت به روستاهای کمتر گردشگری پذیر داشته‌اند. همچنین نتایج بیانگر آن است که تصویر ذهنی ساکنین در روستاهای بیشتر گردشگری پذیر در بعد اثرات مثبت گردشگری قوی‌تر و در بعد اثرات منفی گردشگری ضعیف‌تر نسبت به ساکنین در روستاهای کمتر گردشگری پذیر درک شده است. یافته‌های دیگر تحقیق بیانگر آن است که از بین متغیرهای موثر بر میزان حمایت، دو متغیر سطح توسعه‌یافتگی و وابستگی شغلی و درآمدی بیشترین تاثیر را در میزان حمایت از توسعه گردشگری دارند بر اساس نتایج مستخرج از آزمون رگرسیون می‌توان ادعا داشت که سطح توسعه‌یافتگی گردشگری تاثیر بیشتری از وابستگی شغلی و درآمدی داشته است و نیز سطح معناداری محاسبه شده بیانگر معنادار بودن این نتایج است. از سوی دیگر بر اساس آزمون اسپیرمن بین سطح وابستگی شغلی افراد به بخش گردشگری و میزان حمایت آنان، از توسعه گردشگری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این مطالعه، یافته‌های پیزام، روثمان و مک‌گیهی و آندرک (رک. مبانی نظری) را براساس رویکرد تفکیکی تأیید می‌کند. همچنین در این پژوهش رابطه‌ی میان تحصیلات و میزان حمایت از توسعه گردشگری مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر آن، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین تحصیلات و میزان حمایت از توسعه گردشگری نیز همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

در وضعیت موجود، روستاهایی که تا حدی توسعه گردشگری با منافع و اثرات منتج از آن را تجربه کرده اند از یک سو و از طرف دیگر با توجه به شرایط خاص روستاهای منطقه به لحاظ محرومیت محیطی مانند کمبود آب مورد نیاز برای بخش کشاورزی و مهاجرت‌های شدید روستا-شهری به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی و کاهش سطح درآمدزایی، حمایت زیادی از توسعه گردشگری داشته‌اند. بدین ترتیب با توجه به حمایت زیاد ساکنین از توسعه گردشگری، با مدیریت و برنامه ریزی کارآمد می‌توان بخشی از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی این منطقه را برطرف کرد.

منابع:

۱. سلامی ابراهیم بای، غلامی حیدر، غلامی، منا (۱۳۹۰)، سیاستگذاری اکوتوریسم پایدار در مناطق کویری، فصلنامه مطالعات گردشگری و توسعه، شماره ۱، صص ۵۸-۳۱
۲. سلمانی، محمد و همکاران (۱۳۹۲)، درجه بندی سکونتگاه های روستایی برای توسعه گردشگری بیابان با استفاده از روش Electre3 (مطالعه موردی: خور و بیابانک)، جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۶، صص ۲۲-۱
۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، شناسنامه آبادی های کل کشور
۴. وثوقی، لیلا و همکاران (۱۳۹۰)، ارزیابی نگرش جامعه روستایی به گردشگری بر مبنای مدل معادلات ساختاری (مطالعات موردی: منطقه کوهستانی رودبار قصران، شهرستان شمیران)، پژوهش های روستایی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۶۳-۸۸
5. Allen, L. R.; Hafer, H. R.; Long, P. T. & Perdue, R. R, *Rural residents attitude toward recreation and tourism development*, *Journal of Travel Research*, 31(4), 1993.
6. Belisle, Francois, J and Hoy, Don R;(1980).*The perceived impact of tourism by residents, case study in Santa Marta; Annals of Tourism Research; Vol 7, (1),.*
7. Blank,U. (1989). *The community tourism industry imperative ; the necessity, the opportunities , its potential, venture publishing , State College,PA.*
8. Brougham,j.E.,and R.W.Butler 1981. *A Segmentation analysis of Resident Attitudes to the Social Impact of Tourism*, *Annals of Tourism Research*, Vol 7
9. Bull, C., & Lovell, J. (2007). *The impact of hosting major sporting events on local residents: an analysis of the views and perceptions of Canterbury residents in relation to the tour de France 2007. Journal of Sport & Tourism*, 12, 229e248.
10. Chris Chol, Hwan-Suk and Sirakaya, Erkan; 2005.*measuring residents'attitude toward sustainable tourism: development of sustainable tourism attitude Scale; Journal of Travel Research Vol 43;*
11. Cooke,K,1980, *guidelines for socially appropriatetourismdevelopment in british Columbia*, *journal of Travel Research*,21(1)
12. Dyer, P., Gursoy, D., Sharma, B., & Carter, J. (2007). *Structural modeling of resident perceptions of tourism and associated development on the Sunshine Coast, Australia. Tourism Management*, 28, 409e422.
13. Gursoy, Dogan; Jurowski, Claudia and Uysal, Muzaffer; *Resident Attitudes A structural Modeling Approach; Vol 29(1)*, 2002.
14. Hernandez, Sigfredo A., J.Cohen and H.L.Garcia (1996); *Resident Attitudes towards an Instant Resort Enclave*, *Annals of Tourism Research*, Vol 23, (4).
15. Johnson,.D, Jerry, .Snepenger, J, David and .Akis, Sevgin, (1994); *Residents' Perceptions of Tourism development*, *Annals of Tourism Research*, Vol 21..
16. Jurowski, C., Uysal, M. & Williams, D. R. (1997). *A theoretical analysis of host community resident reactions to tourism. Journal of Ttourism Research*.36(2),3-11.
17. Jurowski, Claudia and Gursoy, Dogan; (2004) *Distance Effect on Residents Attitudes toward Tourism; Annals of Tourism Research; Vol 31(2)*. 2004.
18. Kim, (2002). *The effects of tourism impacts upon quality of life of residents in the community*, *Dissertation submitted to the faculty of the Virginia polytechnic Instituted and State University in partial fulfillment of the requirements for there degree of doctor of philosophy.*
19. Lankford,S.V, and D.R.Howard 1994 ; *Developing a Tourism Impacts Attitude Scale*, *Annals of Tourism Research*, Vol 21

20. Lee, C. K., Kang, S. K., Long, P., & Reisinger, Y. (2010). *Residents' perceptions of casino impacts: a comparative study*. *Tourism Management*, 31(2), 189e201.
21. Lee, H. T. (2013). *Influence analysis of community resident support for sustainable tourism development*. *Tourism Management* 34 (2013) 37e46
22. Lepp, A. (2007). *Residents' attitudes towards tourism in Bigodi village, Uganda*. *Tourism Management*, 28, 876e885.
23. Liu, J. C., Sheldon, P. J. & var, T. 1987. *Resident perceptions of the environment impacts of tourism of tourism*. *Annals of Tourism Research*. 14.
24. Long, T, Patrick; Perdue, R, Richard and Allen, Lawrence, *Rural Resident Tourism Perceptions and Attitudes By community - Level of Tourism*, *Journal of Travel Research*, 31(4). 1990.
25. Madrigal, R. 1993; *A Tale of Tourism in Two Cities*, *Annals of Tourism Research*, Vol 20
26. Madrigal, Robert (1995) *Resident's perceptions and the role of government*, *Annals of Tourism Research*, Vol 22, (1).
27. Manyara, G., & Jones, E. (2007). *Community-based tourism enterprises development in Kenya: an exploration of their potential as avenues of poverty reduction*. *Journal of Sustainable Tourism*, 15, 628e644.
28. Mason, Peter, and Joanne Cheyne (2000). *Residents' Attitudes to Proposed Tourism Development*, *Annals of Tourism Research*, Vol. 27, No. 2, pp. 391- 411
29. Mccoll ,S.F., and S.R.Martin 1994 ; *Community Attachment and Attitudes Toward Tourism development*, *Journal of Travel Research* 32
30. McGehee; G, Nancy and Anderek, L, Kathleen; *Factors predicting rural residents' support of tourism*; *Journal of Travel Research*, Vol. 43, 2004.
31. Murphy, P.E. 1983 ; *Perceptions and Attitudes of Decision Making Groups in Tourism Centers* ,*Journal of Travel Research*, 21(3)
32. Nunkoo, R., & Gursoy, D. (2011). *Residents' Support for Tourism an Identity Perspective*. *Annals of Tourism Research*, Vol. 39, No. 1, pp. 243–268, 2012
33. Nyaupane, G. P., Morais, D. B., & Dowler, L. (2006). *The role of community involvement and number/type of visitors on tourism impacts: a controlled comparison of Annapurna, Nepal and Northwest Yunnan, China*. *Tourism Management*, 27(6), 1373e1385.
35. Perdue, R. Richard; long, T, Patrick., and Allen, Lawrence; (1990). *resident support for tourism development*; *Annals of Tourism Research*; Vol.17; 1990.
36. Pizam, A.; 1987, *Tourism impacts: the social costs to the destination community as perceived by its residents*. *Journal of Travel Research*, 16, 8-12
37. Sebele, s, lesego., (2010). *Community-based tourism ventures, benefits and challenges: Khama Rhino Sanctuary Trust, Central District, Botswana*, *Tourism Management* 31 (2010) 136–146
38. Simpson, M. C. (2008). *Community benefit tourism initiatives: a conceptual oxymoron?* *Tourism Management*, 29, 1e18.
39. Smith, D, Michael; Krannich, S, Richard; 1998. *Tourism dependence and Resident attitudes*, *Annals of Tourism Research*, Vol. 25(4).
40. Yoon, Y., Gursoy, D., & Chen, J. S. (2001). *Validating a tourism development theory with structural equation modeling*. *Tourism Management*, 22(4), 363e372.